

# روابط سیاسی - نظامی و ثبات رژیم‌های عربی در منطقه\*

## ■ چکیده

پرسش از علت استمرار حاکمیت در بعضی از کشورهای عربی منطقه، محور اصلی نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. علت این امر نیز آن است که در بسیاری از این کشورها، استانداردهای سیاست دموکراتیک وجود ندارد یا این حال رژیم‌های حاکم توانسته‌اند به حیات خود استمرار بخشند. فرضیه اصلی مؤلف آن است که، توازن سیاسی - نظامی، هسته اصلی سیاست این رژیمها را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، ثبات رهبری در این کشورها را باید وامدار قابلیت بالای نظامی آنها دانست. نویسنده در مقاله حاضر به بررسی و ارزیابی ریشه‌ها و لوازم ثبات و رهبری در رژیمهای عرب - به ویژه، مصر، اردن و سوریه - پرداخته و فرضیه خود را به آزمون گذارده است. تاریخ تحلیلی کشورهای پیش‌گفته، حکایت از آن دارد که ثبات موجود از جنس نظامی موجود از این حیث ضمن ظاهری فریبنده، در باطن شکننده و غیرقابل اتکاء - آن هم در عصر حاضر - می‌باشد. از این دیدگاه، بحران جانشینی خطری جدی برای این کشورها به شمار می‌آید و درک این موضوع برای کشوری چون ایران که در منطقه‌ای حضور دارد که از ارتباطی وثیق و جدی با کشورهای عربی برخوردار است، هم مهم و هم از حیث امنیتی، ارزشمند می‌نماید.

## ■ فهرست

مقدمه .....	۱۹۶
الف - ثبات رژیمهای عرب .....	۱۹۸
ب - نظارت و کنترل سیاسی و قابلیت‌های نظامی .....	۲۰۲
د - مشکلهایی که ثبات رژیمهای عرب را تهدید می‌کند: بحران جانشینی رهبری .....	۲۰۴
شیجه‌گیری .....	۲۰۴
یادداشتها .....	۲۱۰

## ■ کلید واژه‌ها

ثبات .....	
سیاست .....	
اقتصاد .....	
اردن .....	
مصر .....	
سوریه .....	
مشروعیت .....	
نظامی‌گری .....	

\* این مقاله ترجمه و تلخیصی است از کتاب زیر:

- Brooks, Risa, *Political-Military Relations And The Stability of Arab Regimes*, U.S., International Institute for Strategic Studies, Adelphi paper, No. 324, 1998, 92 Pages.

## مقدمه

مطابق استانداردهای امروزی، عمر طولانی بسیاری از رژیمهای عرب، امری شگفت‌انگیز می‌نماید. شاه‌حسین، یکی از انعطاف‌پذیرترین رهبران منطقه، در سال ۱۹۵۳ به قدرت رسید. حافظ اسد در ۱۹۷۰ رئیس‌جمهور سوریه شد و حسنی مبارک در ۱۹۸۱ به ریاست جمهوری مصر رسید. صدام حسین نیز مدت مدیدی است که بر اریکه قدرت تکیه زده است. ابا توجه به ژئوپلیتیک منطقه این موضوع می‌تواند برای کلیه تحلیلگران و به ویژه کشور ایران مهم و از جمله عوامل مؤثر در طراحی الگوی امنیتی این کشور باشد.

تقریباً همه رژیمهای عربی فوق‌حدافل یک و اغلب بیش از یک تلاش برای کودتا را آزموده‌اند. گرچه شاید کودتا دیگر امری شایع نباشد، اما ارتش، نیروی کلیدی و رکن اصلی رژیمهای عرب به شمار می‌آید. (۱) از این رو حفظ وفاداری ارتش برای بقای این رژیمها ضروری است. باید گفت که شیوه‌های متعددی برای حفظ وفاداری نظامیان به کار گرفته می‌شود. از جمله این شیوه‌ها عبارتند از: افزایش حمایت غیرنظامیان؛ جلب نظر گروههای مذهبی، اجتماعی و اقتصادی؛ تلاش برای جلب حمایت فرماندهان ارشد و افسران رده‌های بالا از طریق امتیازات و پاداشهای فردی و جمعی؛ گماردن اعضای گروههای خاص - اقلیتهای ممتاز - به پستهای کلیدی در نیروهای مسلح، جلوگیری از تقویت قدرت افسران ارتش از طریق تصفیه و پاکسازی مخالفان بالقوه، انجام دادن مراقبتهای ویژه، تعویض فرماندهان و تأسیس سرویسهای مستقل امنیتی که مستقیماً با رئیس‌جمهور یا پادشاه در تماس هستند.

حضور گسترده اقلیت‌های قبیله‌ای و مذهبی ارتش، شیوه اساسی حفظ کنترل نیروهای مسلح در عراق، اردن و سوریه بوده است. (۲) اما در مصر، مشارکت ارتش در پروژه‌های عمرانی نظامی و غیرنظامی، وضع موجود را برای نظامیان مطلوب و سودآور ساخته است.

فرضیه اصلی این پژوهش این است که توازن سیاسی - نظامی هسته اصلی سیاست این رژیم‌ها است. (۴) نیاز رژیم‌های عرب به حفظ کنترل سیاسی نیروهای مسلح، دو مسأله اساسی پیش روی ما می‌نهد:

نخست، کاربرد شیوه‌های مذکور، اغلب آمادگی رزمی نیروهای مسلح را از بین می‌برد. دوم، این واقعیت که رژیم‌های عرب در گذشته توانسته‌اند روابط سیاسی - نظامی موفق‌تری را مدیریت کنند به این معنی نیست که در آینده نیز این روند ادامه خواهد یافت. ثبات رهبری کشورها، در گرو قابلیت‌های نظامی متعارف آنها بوده است. رژیم‌های عرب به ندرت توانایی نظامی خود را در میدان جنگ آزمایش کرده‌اند، زیرا شیوه‌هایی که این رژیم‌ها برای تضمین وفاداری نظامیان به کار برده‌اند با اصول و قواعد یک سازمان نظامی کارآمد در تعارض است. ساختارهای فرماندهی تمرکزگرا، سیاست‌زدگی انتصابات در ارتش، فعالیت اقتصادی، خرید تجهیزات تشریفاتی به جای تسلیحات ضروری، قبیله‌گرایی و عشیره‌زدگی، همگی توانایی‌های نظام نیروهای مسلح عرب را محدود کرده است.

این مقاله، ریشه‌ها و لوازم ثبات رهبری در رژیم‌های عرب، به ویژه مصر، اردن و سوریه را بررسی می‌کند. این نظارت بر ارتش چگونه حفظ می‌شود؟ و آیا این شیوه همچنان ادامه خواهد یافت؟ پرسشهایی است که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت. دوره‌های آشوب و افزایش نارضایتی اجتماعی ناشی از توزیع ناعادلانه منافع اصلاحات اقتصادی در مصر و ناخشنودی پس از مزایای خیالی صلح با اسرائیل در سال ۱۹۹۴ در اردن، موازنه حساس سیاسی - نظامی در این رژیم‌ها را به هم زد.

بحران جانشینی رهبران بعضاً سالخورده و بیمار، موازنه سیاسی نظامی این رژیم‌ها را با مشکل ویژه‌ای روبه‌رو می‌سازد. توانایی رهبران جدید در جهت کسب و حفظ پایگاه اجتماعی، انتصاب هواداران نزدیک به مشاغل حساس، کنار گذاردن جناح‌های رقیب و تأمین رفاه نیروهای مسلح و منافع خصوصی افسران ارشد، عامل اساسی تثبیت قدرت آنها خواهد بود.

نخستین موج کودتاهای نظامی در خاورمیانه با استقلال بسیاری از کشورهای عرب پس از جنگ جهانی دوم مصادف شد. در سال ۱۹۴۹، تنها سه سال پس از استقلال، سوریه سه کودتا را به خود دید تا این که حافظ اسد در ۱۹۷۰ به قدرت رسید. در ۱۹۵۲، پادشاهی در مصر منقرض شد. در فاصله میان سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۶۱، ۲۷ کودتا و یا تلاش برای آن در ۹ کشور عربی روی داده است. مداخله مستمر افسران ارتش در زندگی سیاسی کشورهایشان بارزترین ویژگی سیمای تاریخی عربها در این ناحیه است.

پس از ۱۹۷۰، روابط سیاسی - نظامی رژیمهای عرب نسبتاً آرام بوده است و بیشتر توطئه‌ها خنثی شده‌اند. شاه حسین، مبارک و اسد به گونه‌ای ماهرانه، روابط خود با ارتشهایشان را مدیریت کرده‌اند. شاه حسین با گماردن افسران بومی اردنی در سمتهای فرماندهی موقعیت خود را استوار ساخت. وی در سال ۱۹۵۷ تلاش افسران چپ به رهبری علی ابونوار جهت کودتا را ناکام گذارد. به هنگام سرکوب رزمندگان فلسطین در ۱۹۷۰، با مخالفت شدید برخی نظامیان مواجه شد؛ اما هیچ یک از این اقدامات به یک اعتراض گسترده نظامی منجر نگردید.

مصر از جمله معدود کشورهایی است که انتقال قدرت در آن بدون کودتا صورت گرفته است؛ از جمال عبدالناصر به انور سادات و از سادات به مبارک در ۱۹۸۱. با این همه از زمان کودتای ۱۹۵۲ در مقابل سلطان فاروق که افسران آزاد را به قدرت رساند، این گروه نوبیاد با روشهای اعتراض آمیزی مواجه بوده است. جدی‌ترین مشکل داخلی مصر از دهه ۱۹۷۰، از ناحیه بنیادگرایان اسلامی بوده است که خواستار ایجاد حکومتی برپایه اصول اسلامی هستند. هرچند گمانهایی مبنی بر مشارکت عناصر بنیادگرای نظامی در ترور سادات به سال ۱۹۸۱ وجود دارد، اما این گروه عمدتاً خارج از ساختار رسمی دولت فعالیت می‌کنند. در سوریه، به دنبال کودتاهای متعدد پس از استقلال، در دهه ۱۹۶۰ سیاست حزب بعث منجر به پاکسازی مسلمانان سنی و سایر اقلیتها در تشکیلات سیاسی و نظامی شد؛ پس از ۱۹۶۶ جنگ قدرت میان حافظ اسد و رقیب او در حزب بعث یعنی صلاح جدید به کنار گذاردن وی از قدرت در سال ۱۹۶۹ انجامید و سرانجام در نوامبر ۱۹۷۰ اسد قدرت را به دست گرفت.

احتمالاً نیرومندترین مشکل مقابل رژیم حافظ اسد، از ناحیه برادرش الرفائیه بود که یک واحد قدرتمند مشتمل بر ۳۵۰۰۰ تا ۵۵۰۰۰ نیروی صلح را در اختیار داشت و

نقشی اساسی در سرکوبی مخالفان اسلام‌گرا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ ایفا کرد. بدون مشارکت فعال یا حداقل همراهی فرماندهان ارتش، هیچ حکومت عربی نمی‌تواند بر سریر قدرت باقی بماند.

گرچه میزان آزادی سیاسی در میان دولتهای عربی متفاوت است، اما هیچ یک از رژیمهای عرب کاملاً دموکراتیک نیستند؛ پایه نظم سیاسی در این ممالک بر اجبار و نه رضایت شهروندان مبتنی است. (۴) برای نمونه، سازمانهای حقوق بشر مرتباً برخی از این کشورها را به خاطر نقض آزادیهای فردی و سیاسی تفتیح می‌کنند. (۵)

### ۱- حفظ قدرت

تضمین اعمال نظارت سیاسی بر ارتش مستلزم محروم ساختن نظامیان از ابزارها و انگیزه‌های رویارویی با رژیم است. (۶) رهبران رژیمهای عرب مجموعه‌ای از اقدامات تبیینی و تشویقی را در جهت بهره‌مندی نیروهای مسلح از وضع موجود و بالا بردن خطر و هزینه‌های کودتا، انجام می‌دهند. علیرغم تنوع در روشها، عموماً رهبران سیاسی به چهار طریق نظارت خود را بر نیروهای مسلح اعمال و حفظ می‌کنند:

نخست، آنها با جلب نظر گروههای اقتصادی، اجتماعی و مذهبی پشتوانه غیرنظامی خود را تقویت می‌کنند. این امر اتکای رژیمها را به نیروهای مسلح و در نتیجه نفوذ سیاسی آنها را کاهش می‌دهد.

دوم، اعطای امتیازات شخصی و عمومی به فرماندهان رده‌بالا و افسران ارشد و جلب نظر مساعد آنها.

سوم، اعضای گروههای خاص را به سمتهای کلیدی در ارتش می‌گمارند. این گروهها اغلب اقلیتهای ممتاز هستند که منافع و علایق آنها با منافع رژیمهای سیاسی همسو است.

چهارم، رهبران عرب، شیوه‌های متنوعی به کار می‌برند تا مانع ایجاد پایگاههای قدرت به دست مخالفان جاه‌طلب خود شوند؛ این شیوه‌ها عبارتند از: تعویض متناوب مناصب فرماندهی، اعمال مراقبت و نظارت وسیع و پاکسازیهای گسترده در ارتش. (۷)

### ۲- گسترش پایگاه اجتماعی رژیمهای عرب

منافع اقتصادی، اقلیتهای مذهبی، گروههای قومی و قبیله‌ای، تشکیلات حزبی، پشتیبانی مردمی یا توده‌ای و حتی حمایت سازمانهای بین‌المللی و حکومتها، می‌توانند

عناصر مهمی در تثبیت پایه‌های اجتماعی رژیم‌های عرب باشند. در سوریه، حافظ اسد با انجام دادن اصلاحاتی محدود، اعطای آزادیهای مدنی محدود و تأسیس پارلمان، دست یازیدن به سوسیالیسم (۸)، اتحاد با بورژوازی دمشق و رشد اقتصادی، مشروعیت مردمی را افزایش داد. (۹)

منافع اقتصادی نقش مهمی در شکل‌گیری روابط سیاسی - اقتصادی در مصر ایفا می‌کند. ملی کردن صنایع خصوصی و بخش مالی در دهه ۱۹۶۰ به دست ناصر نفوذ سرمایه خصوصی را در رژیم تضعیف کرد. اصلاحات اقتصادی به دنبال جنگ ۱۹۶۷، که در دهه ۱۹۷۰ سادات پی گرفت، نیروی تازه‌ای به سرمایه‌داران شهری مصر بخشید. سیاست درهای باز در سال ۱۹۷۴ و رشد منافع تجاری و مالی در مصر، مشروعیت اجتماعی این رژیم را افزایش داد. رشد بخش عمومی و خدمات به حدی بود که در فاصله سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۷۵ بیش از ۴ میلیون نفر به جمع حقوق بگیران دولت اضافه شد. به گونه‌ای که پس از قدرت‌یابی حسنی مبارک، او عملاً وارث سیاستهای متناقض و یک پایگاه اجتماعی شده بود که بازتاب آن عبارت بودند از: یک نیمه اشرافیگری احیاء شده، بورژوازی دولتی و طبقات تجاری و مالی. وی با اجرای برنامه صندوق بین‌المللی پول، زمینه را برای رونق یافتن منافع تجاری طبقه متوسط فراهم آورد. (۱۰) توسعه بخش خصوصی و طبقه متوسط، اصلاحات اقتصادی دهه ۹۰، کاهش تورم تا سطح ۴٪، و رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۵٪، به مبارک اجازه داد که خودش را از تشکیلات امنیتی دور سازد و این مسأله تهدیدی برای نظامیان تلقی می‌شد.

در اردن، شاه حسین از فرصتهای استخدام افراد در دولت جهت ایجاد و گسترش یک طبقه حقوق‌بگیر که وابسته به رژیم باشند، استفاده کرده است. علیرغم وجود اقتصاد بازار آزاد، بخش عمومی حدود ۵۰٪ نیروی کار را در اختیار دارد که حدود ۱۵۰/۰۰۰ در بخش غیر نظامی و همین تعداد در بخش نظامی فعال هستند. (۱۱)

شاه حسین برخلاف هم‌تایان مصری و سوری‌اش، با مخالفان اسلامی روابطی دوستانه دارد به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۹، جبهه عمل اسلامی اردن امتیاز تأسیس حزب سیاسی را به دست آورد و در انتخابات پارلمانی سال بعد اکثر کرسیهای مخالفان و پنج وزارتخانه را نیز تصاحب کرد. (۱۲) شاه حسین کوشیده است منافع و رضایت مهاجران فلسطینی را که پس از جنگ ۱۹۶۷ از بخش غربی رود اردن به این کشور پناهنده شده‌اند، [تا حدودی] تأمین کند.

## ۳- خدمات رسانی و تأمین آسایش و رفاه نظامیان

اسد، مبارک و شاه حسین مراقب دغدغه‌های فردی و جمعی فرماندهان ارشد و افسران خود هستند. تأمین منافع مادی نظامیان وضع موجود را برای آنها مطلوب می‌سازد و این نیز موجب خودمختاری و استقلال گسترده‌تر رژیم می‌گردد. نیازهای ارتش به دو بخش می‌شوند: منافع مشترک شامل بودجه‌های نظامی نسبتاً زیاد، عرضه تسلیحات و سایر پاداشهای مادی و معنوی؛ و منافع خصوصی که به اعضای رده‌های بالای فرماندهی یا افسران ارشد اختصاص دارد. برخوردار از مسکن ارزان، مواد غذایی و کالاهای اساسی یارانه‌ای، تسهیلات بهداشتی و آموزشی ویژه، از جمله منابع خصوصی به شمار می‌روند. چنان‌که پس از پایان جنگ ایران و عراق، صدام حسین به افسران ارشد ارتش تسهیلاتی مانند اتومبیل ارزان و تسهیلات ورود نیروهای مسلح به دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی اعطاء کرده است. (۱۳)

نظامیان مصری نیز در فعالیتهای اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، گردشگری و ساختمانی شرکت می‌کنند و از این رهگذر به منافع سرشاری دست می‌یابند. صنایع تسلیحاتی مصر، که در جهان عرب یگانه است، جزء ضروری فعالیتهای اقتصادی ارتش محسوب می‌شود. حدود ۳۰ شرکت و کارخانه و ۱۰۰۰۰۰ کارگر در تولید مهمات توپخانه و تجهیزات زرهی سهم هستند. (۱۴)

خاورمیانه بزرگترین بازار جنگ‌افزار در جهان به شمار می‌رود به طوری که ارزش حاصل از فروش مستقیم تسلیحات پیشرفته در سال ۹۷ به ۱۷ میلیارد دلار یعنی ۳۴٪ کل بازار جهانی اسلحه، بالغ می‌شود. در این میان ژنرالهای ارتش مصر از محل خرید تجهیزات هواپیماهای جنگی از آمریکا، سود سرشاری نصیب خود می‌سازند. بعلاوه کمک نظامی خارجی می‌تواند نقش موثری در ثبات رژیمهای عرب داشته باشد، زیرا این کمکها رفع نیازهای تسلیحاتی ارتش را تسهیل می‌کند. تذکار این مطلب نیز مفید است که شرکت مصر در تمرینات ستاره درخشان با آمریکا که هر دو سال یکبار انجام می‌شود نقش موثری در تأمین نیازهای نظامیان و تحکیم ثبات این رژیم دارد.

## ۴- تضمین حمایت ارتش، مدیریت ارتش و تصفیه نیروهای مسلح

در سوریه حافظ اسد بر اقلیت شیعیان علوی متکی است؛ در اردن شاه حسین افراد قبائل ساحل شرقی رود اردن را به مناصب کلیدی می‌گمارد؛ در عراق، صدام حسین بر

اقلیت سنی متکی است که، ۳۲ تا ۳۷٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. با این همه، پیوندهای شخصی یا خانوادگی فرماندهان ارتش با رهبران سیاسی، تضمین‌کننده وفاداری آنها نیست.

رهبران سیاسی در جهان عرب با برکناری عناصر نامطلوب از طریق پاکسازی، توسعه سرویسهای اطلاعاتی جهت تأمین امنیت داخلی و ایجاد نهادهایی به منظور تنظیم عملیات نظامی؛ نظارت خود را بر ارتش اعمال و حفظ می‌کنند.

#### ۵- توسعه سرویسهای نظامی ویژه

توسعه نهادهای اطلاعاتی و نظامی جهت تأمین امنیت داخلی، شیوه‌ای دیگر برای مقابله با دخالت نظامیان در سیاست است. سازمانهایی مانند گارد پادشاهی اردن، گارد ریاست جمهوری مصر و استخبارات عراق از جمله این نهادها هستند. (۱۵)

این سازمانهای امنیتی و جاسوسی به طور کلی ۵ وظیفه اصلی دارند که عبارتند از: مراقبت، خبرگیری و کنترل فعالیتها و گرایشهای ارتش و سایر گروههای مخالف، دستگیری و بازجویی از افراد مظنون به فعالیتهای ضد رژیم.

#### ب- نظارت و کنترل سیاسی بر قابلیتهای نظامی

جهان عرب گسترده‌ترین و گراترین ارتشهای جهان را در اختیار دارد. اما، این نیروها به ندرت تواناییهای خود را در میدان جنگ به نمایش گذاشته‌اند. در ۱۹۴۸، نیروهای مسلح اعراب در مقابل اسرائیل بسیار ضعیف ظاهر شدند. در جنگ ۱۹۶۷ میان مصر و اسرائیل، مصر مجبور به عقب‌نشینی از صحرای سینا شد. عراق نیز تنها توان نظامی خود را در آخرین مراحل جنگ با ایران در دهه ۸۰ اثبات کرد، ولی شکست سنگین این کشور را در سال ۱۹۹۱ در جنگ خلیج فارس، ضعف تواناییهای نظامی این کشور را نمایان ساخت. (۱۶)

این ضعف ساختاری ارتش در کشورهای عرب عوامل متعددی دارد که عبارتند از: مشکلات مربوط به تأمین بودجه، محدودیتهای فردی نظامیان ناشی از سطح سواد و تسهیلات پایین، مشکلات مربوط به جذب فناوریهای جدید نظامی، آموزش ضعیف، تکنولوژی درجه دوم، عرضه نامنظم قطعات یدکی و سیستمهای پشتیبانی تسلیحات،



توسعه صنعتی محدود و فقدان روحیه حفاظتی<sup>۱</sup>.

تمرکز قدرت در سطوح بالا، مسئولان رده‌های پایین‌تر را از استقلال و ارتباط با سلسله مراتب فرماندهی محروم می‌کند که این امر پیامدهایی منفی بر عملکرد آموزشی و عملیاتی نظامیان بر جای می‌گذارد. مشکلات ناشی از انعطاف ناپذیری فرماندهان، عامل اصلی شکست مصر در جنگ ۱۹۶۷ با اسرائیل بود. در جنگ ۱۹۷۳ علی‌رغم شکست و عقب‌نشینی اسرائیل از کانال سوئز، زمانی که ارتش اسرائیل خط دفاعی اعراب را در هفته دوم جنگ درهم شکست، ممانعت فرماندهان از رسیدن اطلاعات صحیح و در نتیجه تعلل در تصمیم‌گیری باعث نابودی سپاه سوم مصر در منطقه کانال شد.

در سوریه، نبود انعطاف‌پذیری و سرعت واکنشی در سطوح بالای فرماندهی در جنگ ۱۹۷۳ با اسرائیل و در مناقشه لبنان در سال ۱۹۸۲، کاملاً مشهود بود. معیارهای گزینش فرماندهان براساس وفاداری سیاسی به رژیم، انتصاب فرماندهان نظامی را با تنگنا مواجه می‌کند؛ زیرا اغلب فرماندهان دارای تواناییهای نظامی و صلاحیتهای فرماندهی نیستند. فرقه‌گرایی و گرایشهای قبیله‌ای به منزله معیار انتصابات در ارتش، رژیمهای عرب را از داشتن نیروهای انسانی قوی و کارآمد محروم می‌کند.

مداخله نظامیان در فعالیتهای اقتصادی و تجاری نیز به کار تخصصی و حرفه‌ای آنان آسیب می‌رساند. در مصر تأثیرات منفی کار تجاری نظامیان بر آموزش، آمادگی رزمی و نظم ارتش با تفکیک نیروهای فعال در بخشهای اقتصادی وزارت دفاع از واحدها و یگانهای رزمی، کاهش می‌یابد. ورود نیروهای سوری مستقر در لبنان به فعالیتهای بازران سیاه و رشوه، نگرانیهایی درباره آمادگی نظامی در میان ۴۰۰۰ - ۳۵۰۰۰ نیروی مسلح سوری، برانگیخته است.

در مجموع، فقدان سازوکارهای قانونی موجب رواج تنگ‌نظریهای دیوانسالارانه و ابهام در تصمیمات مؤثر بر تجهیز و تدارک ارتش در این رژیمها می‌شود. اکنون این رژیمها با معضل تعارض میان ضرورت کنترل سیاسی از یکسو و کارآئی ارتش از سوی دیگر روبه‌رو هستند. دو عامل موقعیت این رژیمها را در مقابل نظامیان تقویت می‌کند و آنها را قادر به انجام دادن اصلاحات در ارتش می‌سازد: ارتقای بی‌سابقه پایگاه مردمی رژیم، یا همکاری گروههای ذی‌نفع و حذف جناحهای قدرتمند سیاسی در ارتش؛

## ج - مشکلهایی که ثبات رژیمهای عرب را تهدید می‌کند: بحران جانشینی

جانشینی یکی از جدی‌ترین تهدیدهای است که ثبات رژیمهای سیاسی در جهان عرب را به مخاطره می‌اندازد. در سال ۱۹۹۱ پس از پایان جنگ خلیج فارس، عواقب حذف صدام به طور جدی بررسی گردید و تجزیه عراق و جنگ داخلی و تبعات احتمالی حذف صدام مطرح بود. مسأله جانشین عرفات، ادامه روند صلح خاورمیانه را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. در مصر ارتش نقشی کلیدی در انتخاب جانشین مبارک ایفا خواهد کرد و لذا اصلاحات اقتصادی در مصر نگرانیهایی را درباره آشوبهای اجتماعی احتمالی در خلال دوره تغییر رهبری برانگیخته است. در سوریه، شکل رهبری پس از حافظ اسد بستگی به این دارد که چگونه ارتش رژیم سوریه و عناصر و نهادهای مدنی و غیرنظامی این کشور با یکدیگر به تفاهم برسند. نفوذ اسلام‌گرایان در نیروهای مسلح مصر می‌تواند نقش مهمی در آینده مبهم جانشین رهبری سیاسی در این کشور ایفا کند.

جانشین رهبری در سوریه، مصر و اردن، سیاست داخلی این کشورها را دچار تغییرات بنیادی می‌کند. به طوری که پیامدهای آن در خارج از این کشورها نیز احساس خواهد شد. به لحاظ تاریخی، تغییرات داخلی در یک کشور خاورمیانه، تعاملات راهبردی در میان دولتهای منطقه را متحول ساخته است. به ویژه موقعیت ژئواستراتژیک اردن، دولتهای اروپایی را نیز به انتقال آرام قدرت در اردن علاقه‌مند و حساس کرده است. علاوه بر اینها، ماهیت رژیمهای آینده سوریه، مصر و اردن سرنوشت صلح اعراب و اسرائیل را نیز رقم خواهد زد. امکان جنگ داخلی در سوریه و عراق یا اردن، را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا تعارض منافع اقلیتهای حاکم با اکثریت مردم، زمینه بروز بحران در دوره انتقال قدرت را فراهم می‌کند.

### نتیجه‌گیری

اشاره شد که از حیث انجام گرفتن کودتا و ضدکودتا، جهان عرب از سالهای آغازین دهه ۱۹۷۰ شاهد ثبات در رهبری بوده است. در مصر کنترل سیاسی از طریق تأمین منافع نظامیان، مراقبتهای سازمان یافته مانند تعویض فرماندهان، اعمال و حفظ شده است. در اردن روابط قبیله‌ای زیربنای تثبیت کنترل سیاسی ارتش بوده است. به علاوه، شاه حسین با مدیریت روابط نظام‌مند با سازمانهای آزادیبخش فلسطین، رضایت

۲۰۵ فلسطینیان مهاجر را نیز جلب کرده است. اسد، رژیم خود را بر پایه اقلیت علوی استوار ساخته است؛ در حالی که تشکیلات امنیتی گسترده در سوریه مانع گسترش نارضایتیهای طبقاتی، قومی و ایدئولوژیک در ارتش می شود. اسد همواره به ضرورت حفظ رضایت اکثریت سنی در حزب بعث و گسترش منافع تجاری ناشی از اصلاحات اقتصادی آگاه بوده است. سرانجام، صدام حسین با ایجاد چندین سازمان امنیتی که به منظور مقابله با توطئه های براندازی رژیم پدید آمده است، نظارت شدید خود را بر ارتش حفظ می کند. تعویض پی در پی و تصفیه و اخراج و اجرای مجازاتهای شدید در برابر متمردان، همه نظامیان را از اندیشه هرگونه اقدام کودتایی یا شورشی برضد رژیم، برحذر داشته است. همزمان، صدام تلاش کرده است با گسترش شبکه قبیله ای اش و حفظ حزب بعث به مثابه محور اصلی حامی رژیم، موقعیت خود را تثبیت کند.

این واقعیت که رژیمهای عرب به گونه ای توفیق آمیز روابط سیاسی - نظامی را مدیریت می کنند، ضرورتاً به معنی کاهش اهمیت ارتش نیست. نیروهای مسلح کماکان قدرتمند باقی می مانند. بنابراین یک تنش ذاتی و تعارض ماهوی میان حفظ امنیت داخلی و تشویق اصلاحات سیاسی و اقتصادی چشمگیر و گسترده وجود دارد.

اعطای آزادیهای محدود اقتصادی تحت شرایط موجود امکان پذیر است، و به درجات مختلف در مصر، سوریه و اردن دنبال می شود، اما، اصلاحات فراگیر بازرگانی، به ویژه وقتی با کاهش هزینه های تسلیحاتی، کاهش مزایای افسران ارتش، ایجاد مسؤولیت قانونی یا ضرورت شفافیت در فعالیتهای نظامی، حقوق ویژه و انحصاری نظامیان را تهدید کند، ناپایدار خواهد بود. در سایر موارد مشابه نیز، اعطای آزادیهای سیاسی فقط تا آن جا امکان پذیر است که حقوق ویژه مالی و اداری نظامیان را به مبارزه فرانخواند. از این رو، ثبات در کوتاه مدت به بهای تحول اقتصادی و سیاسی این رژیمها در درازمدت تمام خواهد شد.

روابط سیاسی - نظامی محور اصلی جانشینهای قریب الوقوع رهبران کشورهای مهم عرب خواهد بود. ابهاماتی که در مورد جانشینی رهبران عرب وجود دارد فرصتهایی برای تغییر و تحول عمیق در رهبری این کشورها پدید می آورد. کشورهای خارجی می توانند در این فرآیند مشارکت کرده و رهبران جدید را در تأمین و تثبیت موقعیتشان یاری برسانند، حمایتها و کمکهای بین المللی نیز می تواند پشتوانه اجتماعی رهبران جدید را استوار سازد و به تشکیلات حیاتی رژیم مانند ارتش خدمات عرضه کند. با

۲۰۶ کمک به تأمین منافع جمعی نیروهای مسلح، کمکهای نظامی می‌تواند راه تثبیت قدرت رهبران جدید را هموار سازد.

و سرانجام، جانشینی رهبری در کشورهای کلیدی جهان عرب می‌تواند به آرامی، با حداقل نزاع و درگیری‌هایی که لازمه این رژیم‌هاست، همراه باشد. اما در عین حال انقلاب افسران آزاد در مصر در دهه ۱۹۵۰، انقراض پادشاهی هاشمی در عراق در ۱۹۵۸، و تولد رژیم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، روابط میان دولتهای منطقه و سایر مناطق جهان را دچار تحول بنیادی کرده است.

راهبردهایی که این رژیمها در دهه ۱۹۹۰ به کار برده‌اند برای تأمین کنترل سیاسی بر ارتش ضروری است و زیربنای ثبات رژیمهای معاصر عرب به شمار می‌رود. اما حفظ این نظارت فرآیندی مستمر است، و موفقیت‌های گذشته ثبات آینده را تضمین نمی‌کند. یک اختلال در پایگاه اجتماعی رهبری، شکست در مقابله با توطئه در ارتش و تحول سیاسی یا اقتصادی که تهدیدکننده حقوق انحصاری ارتش باشد، می‌تواند تعادل در روابط سیاسی - نظامی را مختل می‌سازد. رضایت خاطر بیگانگان از ثبات فعلی این رژیمها، موجب می‌شود که نسبت به چشم‌انداز واقعی تغییر در این کشورها، آمادگی نداشته باشند.

درصد تولید ناخالص ملی (GDP)			هزینه نظامی (میلیون دلار آمریکا ۱۹۹۷)			نام کشور
۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۸۵	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۸۵	
						سال
۴/۶	۴/۰	۱/۷	۲۱۱۴	۱۸۴۰	۱۳۵۷	الجزایر
۶/۵	۵/۴	۳/۵	۳۶۴	۲۹۵	۲۱۵	بحرین
۴/۳	۴/۵	۷/۲	۲۷۴۳	۲۷۴۲	۳۶۷۹	مصر
۶/۶	۵	۳۶/	۴۶۹۵	۳۴۴۲	۲۰۲۵۸	ایران
۷/۴	۸/۳	۲۵/۹	۱۲۵۰	۱۲۷۷	۱۸۳۲۸	عراق
۶/۴	۶/۴	۱۵/۹	۴۹۶	۴۶۱	۸۵۷	اردن
۱۱/۴	۱۲/۵	۹/۱	۳۶۱۸	۳۹۷۳	۲۵۵۸	کویت
۴/۵	۳/۷	۹	۶۷۶	۴۹۴	۲۸۵	لبنان
۴/۷	۵/۱	۶/۲	۱۲۵۰	۱۳۲۷	۱۹۲۳	لیبی
۴/۲	۳/۸	۵/۴	۱۳۸۶	۱۴۳۱	۹۱۳	مراکش
۱۰/۹	۱۲/۵	۲۰/۸	۱۸۱۵	۱۹۵۷	۳۰۷۲	عمان
۱۳/۷	۸/۹	۶	۱۳۴۶	۷۷۲	۴۲۷	قطر
۱۲/۴	۱۲/۷	۱۹/۶	۱۸۱۵۱	۱۷۷۲۰	۲۵۵۸۵	عربستان سعودی
۶/۳	۶/۴	۱۶/۴	۲۲۱۷	۲۱۳۲	۴۹۶۱	سوریه
۱/۸	۲	۵	۳۳۴	۴۰۶	۵۹۴	تونس
۵/۵	۵/۲	۷/۶	۲۴۲۴	۲۱۱۵	۲۹۱۰	امارات عربی متحده
۷/	۷/۲	۹/۹	۴۰۳	۳۶۹	۶۹۶	یمن

یادآوری: در سال ۱۹۹۷، متوسط هزینه نظامی برای منطقه، شامل اسرائیل و موریتانی، معادل ۶/۹٪ تولید ناخالص داخلی برآورد شده است. در مقایسه با هزینه نظامی ناتو که ۲/۲٪ مجموع تولید ناخالص ملی کل کشورهای عضو را شامل می‌شود؛ شرق آسیا و استرالیا، ۴/۷٪ و هزینه‌های نظامی آسیای مرکزی و جنوبی ۴/۹٪ تولید ناخالص ملی این کشورها بوده است. متوسط جهانی هزینه نظامی در سال ۱۹۹۷، ۲/۷٪ تولید ناخالص ملی بود.

Source: The Military Balance, 1998/99 (Oxford, Oxford University Press For The IISS, 1998),

pp. 296, 300.

جدول شماره ۲: ارزش تسلیحات تحویل شده<sup>۱</sup> به خاورمیانه، ۱۹۸۷، ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷

کشور	سال	۱۹۸۷	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
مصر	۲/۴۳۰	۱/۲۳۴	۱/۵۳۱	۱/۲۸۳	۱/۹۸۲	۱/۶۶۹	۱۱۰۰	
ایران	۲۲۹۵	۹۵۳	۱۲۰۳	۴۱۷	۵۲۳	۴۱۷	۸۰۰	
عراق	۷۹۶۵	n.a	-	-	-	-	-	-
کویت	۲۷۰	۱۰۹۴	۱۰۱۲	۸۶۴	۹۳۹	۱۰۸۱	۷۰۰	
لیبی	۸۱۰	۹۰	۸۳	۸۳	۸۳	۸۳	۱۰۴	
عربستان سعودی	۹۷۲۸	۱۰۸۱۵	۸۷۲۸	۷۷۶۹	۹۰۳۲	۹۴۳۹	۱۱۰۰۱	
سوریه	۲۷۰۰	۴۲۷	۲۹۵	۱۳۷	۱۷۷	۹۴	۱۰۴	
امارات متحده عربی	۱۸۹	۳۸۲	۵۰۳	۴۲۸	۹۱۳	۶۷۸	۶۲۶	

جدول ۳: سفارش و دستیابی به تسلیحات در مصر، اردن و سوریه

کشورهای تأمین کننده سلاح	نوع اسلحه	مدل (عنوان)	تعداد	تاریخ سفارش	تاریخ تحویل
آمریکا	جنگنده	اف ۱۶ سی/دی	۱۶	۱۹۹۱	۱۹۹۴
آمریکا	جنگنده	اف ۱۶ سی/دی	۲۱	۱۹۹۶	۱۹۹۹
آمریکا	کشتی بیمارستانی	AH-648	۳۶	۱۹۹۰	۱۹۹۴
آمریکا	چرخ بال	VH-60L	۲	۱۹۹۵	۱۹۹۸
آمریکا	چرخ بال	CH-47D	۴	۱۹۹۷	۱۹۹۹
آمریکا	ناو محافظ	bH-Perry	۳	۱۹۹۷	۱۹۹۷
آمریکا	چرخ بال	SH-ZG	۱۰	۱۹۹۴	۱۹۹۷
آمریکا	تانک جنگی	ام پیک - ای پیک	۵۵۵	۱۹۸۸	۱۹۹۳
آمریکا	ناو محافظ	knox	۴	۱۹۹۷	
آمریکا	تانک جنگی	ام پیک - ای پیک	۸۰	۱۹۹۶	۱۹۹۹
سوئیس	نفربر زرهی	ZPR-765	۶۱۱	۱۹۹۵	۱۹۹۶
سفارش داخلی	نفربر پرسنل زرهی	الاجبار	-	۱۹۹۸	-

کشورهای تأمین‌کننده سلاح	نوع اسلحه	مدل (عنوان)	تعداد	تاریخ سفارش	تاریخ تحویل
آمریکا	توپخانه	اس پی ۱۲۲	۲۴	-	۱۹۹۸
آمریکا	موشک زمین به هوا	آنجر	۵۰	۱۹۹۸	-
آمریکا	نفریر زرهی	ام - ۱۱۳	۳۷۸	۱۹۹۵	۱۹۹۷
آمریکا	جنگنده	اف - ۱۶ ای ایی	۱۶	۱۹۹۵	۱۹۹۷
آمریکا	هواپیمای حمل و نقل	سی - ۱۳۰ ایچ	۱		۱۹۹۷
	تجهیزات نظامی				
آمریکا	چرخبال	VH-60L	۴	۱۹۹۵	۱۹۹۸
آمریکا	چرخبال تاکتیکی	VH-1H	۱۸		۱۹۹۶
آمریکا	تانک جنگی	ام - ۶۰ ای ۳	۵۰		۱۹۹۶
آمریکا	تانک جنگی	ام - ۶۰ ای ۳	۳۸		۱۹۹۸
آمریکا	توپخانه	۲۳ میلی متری	۱۸		۱۹۹۸
چین	موشک زمین به زمین	ام - ۹			۱۹۹۷
اوکراین	تانک جنگی	تی - ۵۵ ام وی	۲۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷

Source: The Military Balance, 1998/99, pp. 119-21

جدول شماره ۵: تعداد نفرات نیروهای نظامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، ۱۹۹۷ (برحسب هزار (۱۰۰۰))

کشور	نیروی فعال	نیروی ذخیره	شبه نظامی	جمع کل	درصد جمعیت مردان (بین سنین ۱۸ تا ۳۲ سال)
الجزایر	۱۲۴	۱۵۰	۱۴۶/۲	۴۲۰/۲	٪۱۱
بحرین	۱۱	n.a	۹/۹	۲۰/۹	۳۳
مصر	۴۵۰	۲۵۴	۲۳۰	۹۳۴	۱۲
ایران	۵۱۸	۳۵۰	۳۵۰	۱/۲۱۸	۱۴
عراق	۳۸۷/۵	۶۵۰	۵۵/۴	۱۰۹۲/۹	۳۷
اردن	۱۰۴	۳۵	۳۰	۱۶۹	۲۵
کویت	۱۵/۳	۲۳/۷	۵	۴۴	۱۹
لبنان	۵۵/۱	n.a	۱۸/۵	۷۳/۶	۱۳
لیبی	۶۵	۴۰	۰/۵	۱۰۵/۵	۱۴
مراکش	۱۹۶/۳	۱۵۰	۴۲	۳۸۸/۳	۱۰
عمان	۴۳/۵	-	۴/۴	۴۷/۹	۲۰
قطر	۱۱/۸	-	-	۱۱/۸	۲۱
عربستان سعودی	۱۶۲/۵	-	۱۵/۵	۱۷۸	۷
سوریه	۳۲۰	۵۰۰	۸	۸۲۸	۴۲
تونس	۳۵	-	۱۲	۴۷	۴
امارات متحد عربی	۶۴/۵	-	۱/-	۶۵/۵	۳۰
یمن	۶۴/۳	۴۰	۸	۱۸۶/۳	۹

توجه: جمعیت مورد نظر افرادی را که دارای ملیت آن کشور هستند و نیز آنها که ملیت آن کشور را ندارند، در برمی‌گیرد.

Source: The Military Balance, 1998/99, p. 269.

## یادداشتها

- 1- Be'eri, "The waning of the military coup in Arab politics", p.69, 80.
- 2- Seale, Patrick, **Asad: The Struggle for the Middle East**, Berkeley, CA: University of California Press, 1988, p. 333.
- 3- See: Van Dam, Nikolas, **The Struggle For Power in Syria: Politics And Society Under Asad At The Bâath Party**, Third Edition, London, I. B. Tauris, 1996, pp. 119-20.
- 4- See: Negus, Steve, "The press goes too far", **Middle East International**, 24 (October) 1997, pp. 10-11; Caster, John, "In egypt, testing press freedoms can provoke official backlash", **Washington Post**, 8 (October) 1997; Negus, Steve, "Mubarak's press dilemma", **Middle East International**, 13 (March) 1998.
- 5- Amnesty International Report 1998, London, Amnesty International Publications, 1998, and: **Freedom In The World, 1995-1996**, New York, Freedom House, 1996, pp. 443-45.
- 6- Finer, Samuel, **The Man on Horseback: The Role of The Military in Politics**, Boulder, Co. West view Press, 1988; and, Poman Kol Kowicz and Andrzej Korbonski (eds), **Soldiers, Peasants And Bureaucrats**, London, George Aleen and Unwin, 1982; and: Samuel P. Huntington, **The Soldier And The State**, Harvard, MA: Belknap, 1957.
- 7- Wak, Edward Lutt, **Coup D'Etat**, Cambridge, MA. Harvard University Press, 1980; And; Bruce Far Cau, **The Coup: Tactics in the Seizure of Power**, West Port, CT. Praeger, 1994.
- 8- Perthes, Volker, "Stages of economic and political liberalization", in: Eberhard Kienle (ed.), **Contemporary Syria: Liberalization Between Cold War And Cold Peace**, London, I.B. Tauris, 1994.



۲۱۱ 9- Drysdale, Alasdair and Raymond A. Hinnebusch, **Syria And The Middle East Peace Process**, New York, Council on Foreign Relations, 1991.

۱۰- برای بررسی و اطلاعات بیشتر درباره اقتصاد مصر و اصلاحات اقتصادی آن رجوع شود به:

- **Middle East Economic Digest**, Vol. 42, No. 16, 17 (April) 1998, pp. 25-45.

11- Brand, Lauvie A, **Jordan's Inter-Arab Relations: The Political Economy of Allience Making**, New York, Columbia University Press, 1994.

12- Karawan, Ibrahim A, **The Islamist Impasse**, Adelphi paper 314, Oxford, Oxford University Press For The IISS, 1997.

13- Bengio, Ofra, "Iraq", in: Ayalon, Ami (ed), **Middle East Contemporary Survey**, Volume 13, Bouldr, Co. Westview Press, 1991.

14- Sayigh, Yezid, **Arab Military Industry**, London, Brassey's, 1992.

15- Zisser, Eyal, **Decision-Making in Asad's Syria**, Washington Institute Policy Memorandum, Washington DC., Washington Institute For Near East Policy, February 1998.

16- Pollack, Kenneth M. **The Arabs At War: Arab Military Effectiveness From 1945 to 1991**, Ithaca, NY: Cornell University Press, forth coming.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی